

## تأثیر ایدئولوژی نئو عثمانی بر روابط ایران و ترکیه

سید محمد شفیع<sup>۱</sup>

محمد پارسا آموزگار بهمبری<sup>۲</sup>

### چکیده

ایدئولوژی نئو عثمانی یا عثمانیسم نو یا نئو عثمانیسم ایدئولوژی سیاسی ترکی است که در معنای وسیع‌تر، حامی همکاری بیشتر درون مناطق امپراتوری عثمانی سابق است. ترکیه در کنار حفظ مناسبات خود با غرب، برای برقراری و توسعه مناسبات سیاسی با کشورهای منطقه خاورمیانه، به ویژه کشورهای واقع در حوزه تاریخی امپراطوری عثمانی تلاش میکند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ایدئولوژی نئو عثمانی بر روابط ایران و ترکیه و ابعاد مختلف آن می باشد. در واقع بایستی بررسی کرد که این سیاست، چه چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاری است و بر این فرض بنا شده است که سیاست خارجی جدید ترکیه تعریفی جدید است که ریشه در نحوه شکل‌گیری و تکوین هویت تاریخی آن دارد. نتایج این پژوهش اشاره دارد که یکی از رویکردهای اصلی سیاست خارجی جدید ترکیه و دکترین نئو عثمانی‌گری، نفوذ گسترده و افزایش نقش و مداخلات خود در منطقه خاورمیانه به ویژه سوریه و عراق است، به صورتی که ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته خود در دوره عثمانی و عمق جغرافیایی خود ایفا کند.

**کلمات کلیدی:** ایدئولوژی نئو عثمانی، سیاست خارجی، چالش‌های سیاسی، ایران، ترکیه

<sup>۱</sup> دانشجوی مقطع کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه گیلان، mohammadsei220@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی مقطع کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه گیلان، parsa.amozegarr@gmail.com

## مقدمه

کشور جمهوری ترکیه پس از شکستهای پی در پی امپراتوری عثمانی از اروپاییان در قرون ۱۷، ۱۸ و ۱۹ در سال ۱۹۲۳ با لغو سلطنت و اعلام جمهوریت از سوی آتاتورک تأسیس شد. با توجه به نگرش منفی بروکراتها و روشنفکران آن زمان ترکیه نسبت به هویت اسلامی و مقصر دانستن آن در فروپاشی عثمانی و از سویی دیگر شیفتگی برای پذیرفته شدن به عنوان یک کشور اروپایی مدرن و متحد، سیاست خارجی اروپا محور از آن تاریخ تا سال ۱۹۸۰ دنبال گردید و از آن زمان در حوزه اقتصادی، جهت بهره مندی از درآمدهای نفتی کشورهای خاورمیانه، گسترش روابط با این کشورها، از سوی ترکیه مورد توجه قرار گرفت. سیاست خارجی ترکیه در طی یک دهه اخیر شاهد تغییرات و تحولات چشمگیری بوده است که از آن به عنوان ایدئولوژی نئو عثمانی یاد می شود. این یک ایدئولوژی سیاسی امپریالیستی ترکیه است که در معنای وسیع تر خود، مشارکت سیاسی بیشتر جمهوری ترکیه را در مناطقی که قبلاً تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی بود، ترویج می کند (فریدمن، ۲۰۱۵).

## بیان مسئله

کمالیسم یا آتا ترکیسم دربرگیرنده مبانی و اصول مختلفی است که باید از میان آنها به ملی گرایی، سکولاریسم، و غرب گرایی اشاره کرد این مبانی و اصول در سیاست خارجی نقش مشخص تری داشته و بازی کرده اند. در همان حال، سیاست خارجی دولت ترکیه در دوره های خاصی تا حدی تحت تأثیر ملاحظات اسلام گرایانه قرار داشته است. دولت حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان تلاش کرده است تا بر تلفیق منسجمی از هر دو تفکر کمالیسم و اسلام گرایی متکی بوده و در سیاست خارجی اش به ترویج هر دو متمایل شود پس حزب عدالت و توسعه را باید ترکیب از دو دیدگاه اسلام گرایی و کمالیسم دانست.

از زمانی که حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ قدرت را به دست گرفت، به ویژه بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۷ که در آن این حزب با ریشه اسلامی قدرت خود را مستحکم کرد، ترکیه در روابط خارجی خود دیدگاه نئو عثمانی را دنبال کرد. نئو عثمانی گرایی، که جایگاه مهمی به اسلام و تاریخ پادشاهی ترکیه به عنوان ابزار قدرت نرم در سیاست خارجه اعطا نمود، میراث سکولار کمالیسم و سنت دیپلماسی جمهوری خواهی را خنثی نمود.

از سال ۲۰۰۲ با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه ما شاهد تغییرات بسیاری در سیاست های این کشور هستیم این کشور با این تغییرات سیاست خارجی جدیدی را در خود شکل داد. این سیاست ها باعث شد تا کمالیست ها و نظامیان سکولار و همچنین طرفداران غربی آنکارا نسبت به دولت جدید دیدگاه مناسبی نداشته باشند. می توان گفت آنها مانند احزاب اسلام گرای قبلی با پشت کردن به اصول و آموزه های کمالیسم و رویگردانی از غرب، در پی تقویت اسلام گرایی و ایجاد ائتلاف مذهبی در منطقه بودند. هر چند در این مقطع زمانی، اصول جدیدی برای سیاست خارجی و داخلی این کشور

تعریف شد؛ اما کارکرد و خروجی یک دهه از سیاست خارجی این حزب و تطبیق آن با اصول اساسی سیاست خارجی کمالیستی نشان می‌دهد که آنها با در پیش گرفتن رویه اسلامی نوگرا، نه تنها با اسلام گراهای قبلی متفاوت می‌اندیشند، بلکه با رقبای سرسخت و دیرینه خود در داخل (کمالیست های سکولار)، بر سر اصول مهم کمالیسم به آشتی رسیده و به کارگیری رویکردهای جدید در سیاست خارجی فقط تغییر تاکتیک برای رسیدن به هدف های سنتی است که بیشتر در سیاست خارجی سکولارها اولویت اصلی بوده اند (ساعی، احمد-محمدزاده، مرتضی، حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم)

سه اصل محوریت ترکیه، مرزهای هویتی بین‌المللی و هویت شرقی-ارزش‌های غربی به عنوان اصول پایدار نوعثمانی‌گری حزب عدالت و توسعه مطرح شده اند و از سیاست‌هایی که ریشه متغیرهای روشی دارند و بر اساس شرایط زمانی و مکانی دچار تغییر می‌شوند، جدا گشته اند همچنین با تکیه بر متغیرهای ریشه‌ای تعاریف حزب از اسلام‌گرایی، میزان تاثیرپذیری آن از کمالیسم و گذشته نوعثمانی‌گری مشخص گردیده است. حزب عدالت و توسعه در عرصه سیاست خارجی خود دچار تناقض نیست بلکه به سبب عدم رجوع به تعاریف حزب و رهبران آن از نگرش و شیوه عمل خود در عرصه سیاست خارجی، بینشی متفاوت از بیان آنها بر رفتار آنها از سوی برخی منتقدین حاکم شده بود. (گوهری مقدم، ابودر-مددلو، رامین، نوعثمانی‌گری در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، پژوهش های راهبردی سیاست، شماره ۱۷)

بعد از سقوط امپراطوری عثمانی، مصطفی کمال آتاتورک به قدرت رسید. وی اصلاحات زبان را با هدف "پاکسازی" زبان ترکی از نفوذ خارجی آغاز کرد. او همچنین تبلیغ کرد نظریه زبان خورشید در محافل سیاسی و آموزشی ترکیه از سال ۱۹۳۵. محققان ترک در آن زمان مانند حسین Cahit Yalçın و رفت عثمان بیگ همچنین به این ایده رسیده است که سومری ها ترک-ترک بودند (آنتونی، ۲۰۰۲)

ایدئولوژی های مرتبط با ناسیونالیسم ترکی شامل این موارد است پان ترکیسم یا تورانیسم (یک شکل یا ذات گرایی قومی یا نژادی یا عرفان ملی)، عثمانی گرایی جدید (با جاه طلبی های شاهنشاهی ناشی از دوران عثمانی)، آناتولیسیسم (که ملت ترکیه را به عنوان موجودی جداگانه در نظر میگیرد که بعد از سلجوقی فتح از آناتولی در قرن یازدهم)، و سکولار، ملی گرای مدنی تاریخی

### کمالیسم

انقلاب کمالیستی با هدف ایجاد یک دولت ملی از بقایای چند مذهبی و چند قومی امپراطوری عثمانی، ناسیونالیسم کمالیستی از قرارداد اجتماعی نظریه ها، به ویژه از اصول مورد حمایت ژان ژاک روسو و او قرارداد اجتماعی. تصور کمالیست ها از قرارداد اجتماعی توسط این کشور انجام شد انحلال امپراتوری عثمانی که به عنوان محصول شکست عثمانی درک شد ناسیونالیسم کمالیستی، پس از تجربه فروپاشی امپراتوری عثمانی، قرارداد اجتماعی را "عالی ترین آرمان" خود تعریف کرد.

در دهه ۱۹۳۰ کمالیسم به یک فراگیر تبدیل شد ایدئولوژی دولتی بر اساس گفته ها و نوشته های او. تعریف کمالیستی از ملیت با ماده ۶۶ قانون اساسی جمهوری ترکیه. از نظر قانونی، بدون توجه به هر شهروند، یک ترک تعریف می شود قومیت یا دین قانون ملیت ترکیه اظهار می دارد که وی تنها با اقدام خیانت می تواند از تابعیت خود محروم شود.

ناسیونالیسم کمالیستی به این اصل معتقد است که دولت ترکیه یک کل غیر قابل تقسیم است که از قلمرو و مردم آن تشکیل شده است و به عنوان "وحدت دولت" تعریف می شود.

### تورانیسم

تورانیسم که با نام پان تورانیسم هم شناخته می شود ایدئولوژی بود که توسط یک فرد مجارستانی ساخته و پرداخته شد. این ایدئولوژی به منظور مقابله با ایدئولوژی های دیگر کشورهای اروپایی (مثل پان اسلاویسم و پان ژرمنیسم) هم زمان با شکل گیری و رشد فزاینده ایدئولوژی های ناسیونالیستی اروپایی، به منظور یارگیری مجارستانی ها و اتحاد آنها با کشورهای ترک زبان مثل عثمانی و برخی قومیت های اورالی زیر سایه امپراتوری تزار روسیه ساخته شد و هدف آن ها یارگیری سیاسی برای مقابله با همدیگر بود. ریشه اصلی کلمه پان تورانیسم به کتاب شاهنامه فردوسی بر می گردد که سرزمین افسانه ای توران بر می گردد. ایده پان تورانیسم ۵۰ سال پیش از شعله ور شدن جنگ جهانی اول شکل گرفت (الکساندر، ۱۸۴۶)

در اوایل سده بیستم برخی از اندیشمندان و سیاستمداران ترکیه و تاتارستان در تعریف توران آن را تبدیل به وسیله ای برای توجیه پانترکیسم قرار دادند و این منطقه اساطیری را «همه مناطق و کشورهایی که در آن به ترکی سخن گفته می شود» تعریف نمودند (گوکلپ، ۱۹۶۸). این موضوعی است که در ادبیات سیاسی ترکیه هنوز هم کم و بیش مطرح است. طبق این ادبیات سیاسی، پان تورانیسم به اندیشه متحد کردن همه ترکان جهان و سرزمین های آنان گفته می شود. در اوایل سده بیستم، بعضی روشنفکران و سیاست پردازان ترکیه مانند ضیا گوک آلپ و انور پاشا از اندیشه اتحاد ترکان دفاع کردند. حتی انور پاشا که از فرماندهان مشهور ارتش عثمانی بود، بعد از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول و قطع کمک بلشویک ها، در سال ۱۹۲۲ برای تحقق خیال متحد کردن ترکان آسیای مرکزی به آنجا رفته و در زد و خورد هایی که در تاجیکستان کنونی با بلشویک ها رخ داد، جان خود را از دست داد. همچنین، اندیشمند معروف پان ترک، ضیا گوک آلپ در کتاب «اصول پان ترکیسم» و در تعریف «تورانیسم» نوشت که عثمانی ها، آذربایجانی ها، تاتارها و ترکان آسیای مرکزی مشمول پان تورانیسم می شوند اما «این اندیشه شامل مجارها، تونگوزها، مغول ها و فنلاندی ها نمی باشد» (گوکلپ، ۱۹۶۸)

گرچه ایدئولوژی پان تورانیسم (در ابعاد عمومی تر) تحقق نیافت، ولی منجر به رشد اندیشه اندیشه پان ترکیسم (که نسبت به اندیشه قبلی جزئی تر بود) شد. تئوریسین های مورج اندیشه پان ترکیسم، اکثراً

ترک‌زبان‌هایی بودند که زیر ستم امپراتوری تزار بودند و در پی آن بودند تا با ترویج ناسیونالیسمی فرامرزی ناسیونالیسم ترکی، مردم ترک‌زبان عثمانی را با تمامی اقوام و ملیت‌های ترک‌زبان جهان (به خصوص ترک‌های ساکن امپراتوری تزار روس) متحد کنند. یکی از عوامل اتحاد آنها یکی بودن زبان، دیگر یکی بودن مذهب (در مقابل مذهب تزارها که مسیحی بودند و مسلمانان تسلط آنها بر خود را نامشروع می‌دانستند) بود. این تفکر به ترویج و تحریک مردم ترک‌زبان عثمانی و مقابله با اندیشه پان‌اسلامیسم (که سلاطین عثمانی خود را خلیفه وقت جهان اسلام اعلام کرده بودند) انجامید (رئیس‌نیا، ۴۶۶\_۴۷۲)، (رضاء، ۱۳۸۳، ۵۵۹)

### پان ترکیسم

ملی‌گرایی "تورانیست" با انجمن تورانیان در سال ۱۸۳۹ تاسیس شد، و در سال ۱۹۰۸ به انجمن ترکیه دنبال شد، که بعداً به انجمن تبدیل شد گروه‌های ترکی و سرانجام گسترش یافت و شامل ایدئولوژی‌هایی مانند پان‌تورانیسم و پان‌ترکیسم. انقلاب ترکان جوان که سلطان را سرنگون کرد عبدالحمید دوم، ملی‌گرایان ترک را به قدرت رساند امپراطوری عثمانی، در نهایت منجر به سه پاشا کنترل دولت اواخر عثمانی شد

### نئونازیسم و نئوفاشیسم

نئونازی گروه در سال ۱۹۶۹ در ازمیر وجود داشته است، هنگامی که گروهی سابق از حزب ملت روستاییان جمهوری خواه اعضا (حزب پیشین سازمان حزب جنبش ملی) انجمن را تاسیس کرد "İnkışaf Nasyonal Aktivitede Zinde" (توسعه شدید در فعالیت ملی) این باشگاه دو واحد رزمی را نگهداری می‌کرد. یکی از رهبران (گوندوز کاپانچی اوغلو) در سال ۱۹۷۵ مجدداً در حزب جنبش ناسیونالیست پذیرفته شد.

امروز جدا از نئوفاشیست گرگهای خاکستری و ترکی فرا ملی‌گرایی حزب جنبش ملی، برخی از سازمان‌های نئونازی در ترکیه مانند حزب نازی ترکیه وجود دارد (راجر گریفین، روتلج، ۱۹۹۳:ص ۱۷۱) (رابرت فاکس، ۱۹۹۱:ص ۲۶۰) (باتلر، دارن، ۲۰۱۱) یا حزب ملی سوسیالیست ترکیه که عمدتاً مبتنی بر اینترنت هستند.

در کمالیسم و اسلام‌گرایی همانند دو مرجع معنایی سیاست خارجی ترکیه نگریسته شده است. کمالیسم یا آتاترکیسم دربرگیرنده مبانی و اصول مختلفی است که از میان آنها ملی‌گرایی، سکولاریسم، و غرب‌گرایی در سیاست خارجی نقش مشخص تری در ترکیه بازی کرده‌اند. در همان حال، سیاست خارجی دولت ترکیه در دوره‌های خاصی تا حدی تحت تأثیر ملاحظات اسلام‌گرایانه قرار داشته است. دولت حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان تلاش کرده است تا بر تلفیق منسجمی از هر دو تفکر

کمالیسم و اسلام‌گرایی متکی بوده و در سیاست خارجی اش به ترویج هر دو متمایل شود (قنبرلو، عبدالله، نقش ملاحظات فرهنگی و ایدئولوژیک در سیاست خارجی ترکیه)

نظریه زبان خورشید

نظریه زبان خورشید (ترکی استانبولی: Dil Teorisi Güneş) یک فرضیه زیباشناسانه و رد شده بود بدون منبع با جنبه سیاسی که پیشنهاد می‌کرد همه زبان‌های بشری بازماندگان یک زبان اولیه آسیای مرکزی هستند. این نظریه سپس پیشنهاد می‌کرد که تنها زبانی که کم و بیش همانند این زبان اولیه باقی‌مانده زبان ترکی است. نظریه این را بدین دلیل پیشنهاد می‌کرد که از آنجا که این زبان اولیه تشابهات واجی نزدیکی به ترکی داشت، رد پای همه دیگر زبان‌ها الزاماً می‌بایست به ریشه‌های ترکی برگردد. بنا به نظریه، پرستشگران آسیای مرکزی که می‌خواستند قدرت مطلق خورشید و توانایی‌های حیات‌بخش او را تجلیل کنند، این کار را با تبدیل یکی از حرافی‌های بی‌معنی خود به صورت مجموعه‌ای بهم پیوسته‌ای از مناسک انجام دادند و زبان زاده شد و دلیل این نام همین است. (ایلکر، ۲۰۰۴)

این نظریه تحت تأثیر تاریخ‌دان فرانسوی هیلر دو بارنتون که معتقد بود منشأ زبان‌ها هیروگلیف‌های سومریان است قرار داشت. مصطفی کمال آتاترک بنیانگذار و نخستین رئیس‌جمهور ترکیه از آن رسماً پشتیبانی کرد (وریونیس، ۱۹۹۳)

سیاست خارجی دولتها از نظر شکل و شدت تاثیر پذیری از ارزشها و هنجارهای داخلی متغیر است. اگرچه در سیاست خارجی بسیاری دولت‌ها نشانه‌های متعددی از آرمان‌گرایی و عملگرایی مشاهده می‌شود، اما شدت و ضعف آنها بسته به شرایط و عوامل مختلف داخلی و بین‌المللی متغیر است.

مصطفی کمال در مقام بنیانگذار جمهوری ترکیه شعاری معروف با عنوان «صلح در خانه، صلح در جهان» که بعضی از آن به عنوان بنیان سیاست خارجی کمالیستی یاد می‌کنند

براساس کلیاتی که در بالا گفته شد به نظر می‌رسد استفاده از چارچوب نظری سازه‌انگاری اثری چشم‌گیر بر شناخت مفهوم نئو عثمانی‌گری در سیاست خارجی ترکیه داشته باشد، چرا که بر این پیش‌فرض استوار است که بازیگران، جهان خود را می‌سازند و تحلیل سیاست خارجی، از دولت بعنوان یک بازیگر آغاز می‌شود؛ یعنی بازیگران تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و اجرا می‌کنند.

با در نظر داشتن این معیار و استاندارد به عنوان تنها عامل، خود استبداد و استبدادگرایی نیز قربانی می‌شود. این در حالی است که خود اردوغان خود نشانه‌ای از یک مشکل گسترده است؛ و آن عبارت است از ترویج ایدئولوژی پان‌اسلامی، نئو عثمانی که پیامدهای خطرناکی برای مدیترانه شرقی، خاورمیانه و فراسوی آن داشته است. این دیدگاه غلط از پان‌اسلامیسم؛ هژمونی فرهنگی از اسلام سیاسی (و همچنین شکلی از جهادگرایی نظامی) را تداعی می‌کند. آنکارا چگونه به اینجا رسید؟ مطمئناً مفهوم پان‌اسلامیسم پدیده جدیدی نیست. از نظر تاریخی، امپراتوری عثمانی (۱۹۲۳-۱۵۱۷) نماینده آخرین خلافت و دولت اسلامی بود که با مجموعه‌ای از شکستهای نظامی در جنگ‌های بالکان (۱۹۱۲-۱۹۱۳)

و جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و پس از آن یک پیروزی اساسی در جنگ استقلال ترکیه (یا جنگ یونان و ترکیه ۱۹۱۹-۱۹۲۲) و در نهایت تأسیس جمهوری سکولار ترکیه در سال ۱۹۲۳ به پایان رسید. تأسیس دولت مدرن ترکیه به طور موثری عثمانیسم سنتی را به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی پایدار خاموش کرد. در عوض اصلاحات گسترده کمالیستی تغییرات زیادی را در جامعه ترکیه ایجاد کرد؛ از جمله الغاء منصب سلطانی، تصویب الفبای لاتین به جای الفبای عربی؛ و مواد قانونی جدید که بعداً از طرق قوانین اروپایی نیز اصلاح شد و صرفاً مشتق از اصول اسلامی نبود.

علاوه بر این، به دنبال این مقطع حساس در تاریخ خود کشور ترکیه، منطقه خاورمیانه نیز متعاقباً شاهد یک سری جنبش‌های استقلالی در طول اوایل تا اواسط قرن بیستم بود. این جنبش‌های استقلالی منجر به ایجاد جمهوری‌های مدرن مصر، سوریه، عراق، الجزایر و تونس و غیره شد. دولت‌های تازه استقلال یافته منطقه تلاش می‌کردند دولت خود را تا حد زیادی شبیه به دولت مصطفی کمال آتاتورک کنند. به این ترتیب این تجربه و میراث تاریخی تا حد زیادی مقاومت در برابر گسترش طلبی ترکیه، پروژه پان اسلامیسیم مصر همراه با امارات متحده عربی و عربستان سعودی را توضیح می‌دهد. اتحاد روزافزون ترکیه با قطر و اخوان المسلمین به عنوان یک جنبش فراملی به معنای تشدید بیشتر تنش‌های موجود است. اما ایدئولوژی پان اسلامیستی و نئو-عثمانی آنکارا اساساً خطوط گسل جدیدی را در سراسر منطقه ایجاد می‌کند. تفسیرهای بیرونی از نئوعثمانی‌گرایی غالباً به یک جهت‌گیری سیاسی "ضد غربی" برای کشور ترکیه محدود می‌شود. مطمئناً، این پدیده ارتباط چندانی با غرب ندارد و بیشتر در مورد الگوی ایدئولوژیکی نوظهور در ترکیه است. در حالی که روی کار آمدن اردوغان یک تغییر در سیاست ترکیه بود؛ شرایطی که امکان روی کار آمدن وی در اوایل سال ۲۰۰۰ را فراهم کردند از طریق معرفی دوباره عثمانی‌گرایی در طول تصدی تورگوت اوزل ایجاد شده بود که بعداً به وسیله احمد داووداوغلو وزیر خارجه ترکیه (و به عنوان یک فرد دانشگاهی) بازتولید شد.

ترویج و توسعه اردوغان از ناسیونالیسم و اسلام سیاسی نتایجی نیز به همراه داشته است. علیرغم اینکه اردوغان یک شخص غیر روحانی بوده اما بیشترین اعتماد را از سوی بطن جامعه داشته است. علاوه بر این، تسلط حزب عدالت و توسعه بر سازمان‌های مذهبی مانند دیانت خطوط موجود بین اسلام رسمی (دولتی) و اسلام سیاسی در ترکیه را مبهم کرده است. مردم و افکار عمومی اسلام‌گرایی و مذهب دولتی را به عنوان دو روی یک سکه می‌دانند... و هواداران حزب عدالت و توسعه سطح بالایی از اعتماد را به فتاوای بنیاد دیانت نشان می‌دهند... یک استثناء مهم در این زمینه مصر است؛ از آنجا که در آن اعتراضات مردمی با حمایت ارتش منجر به برکناری اخوان المسلمین شد و متحدان اخوان اردوغان در آنجا در سال ۲۰۱۳ قدرت را از دست دادند نفوذ آنکارا و به ویژه اردوغان کاهش داشته است. اسلام سیاسی ترکیه همچنین از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد متمایل به اسلام به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی بشر دوستانه و انسانی نیز سرایت داشته است. ما شاهد افزایش نقش آفرینی آنکارا به

عنوان تأمین کننده اصلی کمک در سراسر خاورمیانه و آفریقا هستیم. در برجسته ترین نمونه، ترکیه بیش از ۱ میلیارد دلار برای کمک به کشور سومالی از طریق بنیاد دیانت و سایر سازمان های امدادی اسلامی سرمایه گذاری کرده است. در حالی که این کمک ها به طور حتم چهره بشر دوستانه ترکیه را افزایش می دهد باید توجه داشته باشیم که آنها معمولاً همراه با اهداف و نیات و سیاسی هستند؛ علاوه بر ساخت بیمارستان در موگادیشو توسط رجب طیب اردوغان، ترکیه همچنین بزرگترین تاسیسات نظامی خود را در خارج از کشور را در سومالی ساخته و حضور نظامی مهمی در آفریقا داشته است.

این الگوی پان اسلامی، نئو عثمانی به عنوان کاتالیزوری برای رویکرد تجدیدنظر طلبانه ترکیه نسبت به پویایی های امنیت منطقه ای عمل می کند. به عنوان مثال، رئیس جمهور اردوغان با زیر سؤال بردن پیمان لوزان، توافق نامه ۱۹۲۳ که مرزهای ترکیه مدرن را تنظیم می کند، مرتباً احساسات غیر اصولی و باستان گرایی را تحریک می کند. از طریق بازی و توجه به پیش بینی ها و عناصر ناسیونالیستی اردوغان استدلال دارد که مصطفی کمال در پیمان لوزان امتیازات ارضی ناعادلانه ای ایجاد کرد که ادعاهای قانونی ترکیه را تضعیف کرد. به این ترتیب، ترکیه "حق" دارد که خواستار بازگشت به مرزهای ملی پیش بینی شده به وسیله طرح "میثاق ملی" شود. میثاق ملی (یا پیمان ملی) یک استراتژی متشکل از شش تصمیمی مهمی بود که در سال ۱۹۲۰ توسط پارلمان عثمانی اتخاذ شد. بر اساس معاهده ملی، ترکیه ادعاهای سرزمینی داشت که از تراس (تراکیه) شرقی (که اکنون بخشی از یونان است) تا قبرس، جزایر شرقی اژه بخش هایی از شمال سوریه؛ شمال عراق، کل ارمنستان مدرن، قسمتی از گرجستان و و حتی ایران کشیده می شد. با این وجود حمایت ترکیه از تغییر رژیم در سوریه آنکارا را در موقعیت چالش برانگیزی قرار داد؛ (۱) مدیریت یک درگیری گسترده و پرهزینه نظامی با کردها، در غیاب یک استراتژی خروج منطقی، (۲) رد اتهامات غربی ها مبنی بر همدستی خود ترکیه در کمک به داعش؛ (۳) متعادل کردن خروج واشنگتن از سوریه و نگرانی آن برای معضل کردها. به همین ترتیب، ادامه حضور نظامی ترکیه و حمله به شمال عراق و سوریه فقط باعث تشدید تنش های منطقه ای، تقویت مخالفت کردها در ترکیه و تقویت حافظه تاریخی منفی از نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه به عنوان یک قدرت امپریالیستی و اشغالگر شده است.

در ژانویه سال ۲۰۲۰، اردوغان ادعایی را مطرح کرد که عنوان می داشت "راه صلح در لیبی از ترکیه می گذرد." ترکیه به جای دنبال کردن سیاست هایی برای خنثی کردن تنش ها در وضعیت کنونی، به دنبال دستیابی به یک توافقنامه مرز دریایی با اسلام گرایان در لیبی بود که منجر به خشم بازیگران کلیدی منطقه ای مانند مصر، اسرائیل و یونان و همچنین اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا شد. تصاویر هزاران پناهنده در تلاش برای عبور از ترکیه به یونان (با تشویق خود اردوغان به این کار) ماهیت مخرب سیاستهای غیرمسئولانه آنکارا را نشان می دهد. در صورت فقدان توجه و کنترل ایدئولوژی الهام بخش پان اسلامیستی و نئو-عثمانی ترکیه، همچنان در آینده به تنش های منطقه ای و بی ثباتی کمک



خواهد کرد. اما قبل از اینکه بازیگران غربی بتوانند به طور موثر با این پدیده مقابله کنند، ابتدا باید وجود آن را تصدیق کنند. در همان زمان، یک ایدئولوژی پان اسلامیستی و نئو عثمانی باید به همان اندازه نگران چین باشد، که منافع و سرمایه گذاری های کلیدی خود را در منطقه دارد. اقدامات بی ثبات کننده ترکیه همچنین می تواند به افزایش عدم اطمینان در روابط آنکارا- پکن منجر شود. در واقع پیامدهای مدل ایدئولوژیکی ترکیه نه تنها می تواند محیط پیرامونی آن را در معرض خطر قرار دهد؛ بلکه می تواند معضلات جهانی نیز ایجاد کند.

### پیشینه پژوهش

یکی از اولین کاربردهای این واژه در مقاله چتم هاوس توسط دیوید بارچارد در سال ۱۹۸۵ بود (بارچارد، دیوید، ۱۹۸۵)، که در آن بارچارد پیشنهاد کرد که "گزینه نئو عثمانی" ممکن است راهی برای توسعه آینده ترکیه باشد. همچنین به نظر می رسد که مدتی پس از حمله ترکیه به قبرس در سال ۱۹۷۴ توسط یونانی ها استفاده شده است (اچ کارپات، کمال، ۲۰۰۲: ص ۵۲۴). در قرن بیست و یکم، این اصطلاح به معنای یک روند داخلی در سیاست ترکیه است، جایی که احیای سنت ها و فرهنگ عثمانی با ظهور حزب عدالت و توسعه همراه بود. که در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید. استفاده از ایدئولوژی توسط حزب عدالت و توسعه عمدتاً از تأثیر بیشتر فرهنگ عثمانی در سیاست اجتماعی داخلی حمایت کرده است که باعث ایجاد مشکلات بزرگی شد.

در قرن ۲۱ این اصطلاح به معنای داخلی است روند در سیاست ترکیه، که احیای سنت ها و فرهنگ عثمانی با احیا حزب عدالت و توسعه (حزب عدالت و توسعه، تأسیس در ۲۰۰۱) همراه بود که در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسید استفاده از ایدئولوژی توسط حزب عدالت و توسعه عمدتاً از نفوذ بیشتر فرهنگ عثمانی در سیاست اجتماعی داخلی حمایت کرده است که باعث ایجاد اعتبار با سکولار و جمهوری ترکیه مدرن شده است. AKP برای ارجاع به طرفداران خود و همچنین رهبر سابق خود رجب طیب اردوغان (که به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد) از شعارهایی مانند torunu Osmanlı ("فرزندان عثمانی") استفاده کرده است. در سال ۲۰۱۴ در طول مبارزات انتخاباتی خود. این آرمان های داخلی همچنین شاهد احیای نو-عثمانیسم در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بوده اند. علاوه بر این، به عنوان تمایز آشکار بین آنها و طرفداران پرشور سکولاریسم، عثمانی گرایی اجتماعی مورد حمایت حزب عدالت و توسعه به عنوان پایه ای برای تلاش آنها برای تبدیل سیستم پارلمانی موجود ترکیه به سیستم ریاست جمهوری، طرفدار یک رهبری متمرکز قوی شبیه به دوران عثمانی. بنابراین منتقدان اردوغان را به الفاظی مانند "سلطان عثمانی" متهم کرده اند.

## روش پژوهش

در بحث روش، در واقع بایستی بررسی کرد که این سیاست، چه چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. رویکرد نظری این مقاله مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاری است و بر این فرض بنا شده است که سیاست خارجی جدید ترکیه تعریفی جدید است که ریشه در نحوه شکل‌گیری و تکوین هویت تاریخی آن دارد.

## نتایج سیاسی

روابط ایران و ترکیه همراه با تغییراتی که در دوران معاصر در جغرافیای سیاسی خاورمیانه ایجاد شده است دستخوش تحولات زیادی بوده است. این روابط تا اندازه‌ی زیادی از مذهب شیعه و سنی در دو سوی مرز، روابط ایران، روابط ترکیه و اسرائیل، مسئله کردها و روابط دو کشور با روسیه و اروپا اثر پذیرفته است.

اما موضوعی که در این اواخر تاثیر زیادی بر این روابط داشته اندیشه‌های نئو عثمانی‌گرایی دولت‌های ترکیه بوده ترکیه امروزی بازمانده‌ای از فروپاشی امپراتوری عثمانی است که مصطفی کمال آتاترک در آن دست به اصلاحات سکولار وسیعی زد و ایران معاصر کشوری است که پس از مدت‌ها بی‌ثباتی و تضعیف دودمان قاجار با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی دست به اصلاحات مشابه و تا حد زیادی متأثر از ترکیه می‌زند. در ۱۳۵۷ ایران انقلابی را تجربه می‌کند که منجر به سرنگونی پادشاهی پهلوی و بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی می‌شود که روابطش با جهان و از جمله ترکیه را دگرگون می‌کند. (ک.مکی، ۱۳۶۳) در دوران دولت حسن روحانی روابط ایران و ترکیه به بالاترین اوج خود رسید؛ به گونه‌ای که رجب طیب اردوغان شهروند افتخاری تهران شد.

در تحلیل سیاست خارجی ترکیه و ایران باید به برداشت نسبی‌گرایانه از حقوق بشر و دموکراسی توجه داشت. نسبی‌گرایی باوری است که ارزشها را نسبی و ذهنی می‌داند و به هیچ ارزش مطلق و عینی و عامی که به حکم عقل و علم قابل اثبات باشد باور ندای آنها این برداشت را به مفاهیمی نظیر دموکراسی و حقوق بشر نیز بسط می‌دهند. حقوق بشر و دموکراسی مفاهیمی مثل مفاهیمی نظیر آب، خاک، سنگ نیست که فارغ از ایدئولوژی حتی جهان بینی و نگاه مفسر معنا شود. بلکه مانند ظلم و عدالت مفاهیمی هستند که از نگاه مفسر به جهان، به هستی، به فرجام انسان تاثیر می‌پذیرد. بر همین اساس است که کشورهای در حال توسعه غرب را متهم می‌کنند که بر دیدگاهی جهان‌شمول و مفهومی غربی از دموکراسی و حقوق بشر برای توسعه به سایر نقاط جهان تکیه می‌کند. نسبی‌گرایان استدلال می‌کنند که با وجود مشترکات، شرایط میان جوامع تا حد زیادی متفاوت است، در نتیجه نیازمند توجه به برداشت‌های مختلف از حقوق بشر هستیم. نسبی‌گرایان رویکرد جهان‌شمولی را به امپریالیسم فرهنگی متهم می‌سازند (چریستی، ۱۹۹۵) بر اساس این تحلیل، مبنای تحلیل سازه‌انگاره و هویتی از دموکراسی و حقوق بشر فراهم می‌گردد. دموکراسی و حقوق بشر چارچوبی برای سازماندهی روابط بین دولت‌ها و

افراد بشری تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، حقوق بشر و دموکراسی قواعد تکوینی هستند که بخشی از مشروعیت هویت و کنشگری دولت‌ها را تعریف می‌کنند. یعنی همان گونه که حاکمیت برای دولت‌ها نقش هویت‌آفرینی دارد، گفتمان حقوق بشر و دموکراسی غالب بر آن نیز به عنوان بخشی از گفتمانی که هویت حاکمه دولت‌ها را تعریف می‌کند، عمل می‌کند و می‌تواند باعث شود دولت‌ها با توجه به اینکه تا چه حد با این گفتمان به خود هویت می‌بخشند از دید جامعه بین‌المللی هویت‌های متفاوتی پیدا کنند (مشیرزاده و مسعودی؛ ۱۳۸۸: ۲۶۶).

بر همین اساس، ترکیه نوعی صورت‌بندی از حقوق بشر و دموکراسی را به منطقه و ایران توسعه می‌دهد که در تعارض جدی با برداشت و تفسیر غالب ایران قرار می‌گیرد. قرائت حزب عدالت و توسعه ترکیه در چارچوب دکترین نئو عثمانی‌گری، از اسلام به نحو متفاوتی از ایران است

مبانی اسلامی با قرائت سنت‌گرایان متفاوت است. ویژگی این جریان معرفی اسلام «رحمان و رحیم» است که همه انسان‌ها را دارای حقوق طبیعی برخوردار از کرامت انسانی می‌داند. در این قرائت از اسلام، خشونت، ترورهای کور، مطلق‌اندیشی و مطلق‌بینی جایگاهی ندارد. روشنفکری دینی در ترکیه توانسته است با مهارت و واقع‌بینی میان اسلام و مدرنیته پیوند زند و مبانی و اصول مدرنیته را بومی یا ترکی کند. آرام آرام بخش‌های قابل توجهی از مردم ترکیه قانع شده‌اند که می‌توان هم مسلمان بود، هم یک ملیگرای واقعی ترک و هم می‌توان به مبای مدرنیته در قلمرو سیاست و اقتصاد متعهد بود (یزدی، ۱۳۸۲). ترکیه بر اساس رویکرد خود از اسلام و به دور از ایده‌های اسلام سیاسی تلاش می‌کند. وضعیت دموکراسی و حقوق بشر را در خاورمیانه با استفاده از الگوی غالب لیبرالی و غربی بهبود بخشد. ترکیه هم از لحاظ تفکر و هم از لحاظ سیاستگذاری برای این منظور فعالیت می‌کند

از سویی دیگر، ترکیه به عنوان یکی دیگر از قدرت‌های منطقه خاورمیانه، منافع و مسائل امنیتی خود در عراق نوین را با مسئله کردها و حفظ تمامیت ارضی خویش تعریف می‌کند. در میان همسایگان عراق ترکیه تنها کشوری است که ادعای ارضی نسبت به عراق دارد. این امر موجب شده است زمامداران عراق و دولت اقلیم کردستان بر خلاف رویه معمول خود در مقابل ترک‌ها سیاستی محافظه‌کارانه‌تر نسبت به دیگر همسایگان خود اتخاذ نمایند. برتری جغرافیایی ترکیه و وابستگی عراق به منابع آبی و خطوط انتقالی این کشور از یک سو و برتری موقعیت استراتژیکی ترکیه در بخش کوهستانی شمال عراق از سوی دیگر باعث اتخاذ چنین سیاست تهاجمی از طرف ترک‌ها شده است. همچنین حضور آمریکا و تحولات عراق باعث رشد بنیادگرایی و ترقی گروه‌های تروریستی کرد در ترکیه می‌باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸).

داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه به تازگی از دیاربکر، مهمترین شهر کردنشین در جنوب شرقی ترکیه، دیدار کرده است. با شکل گرفتن ساختار سیاسی خاورمیانه پس از جنگ جهانی اول، جاه‌طلبی جدایی طلبان کرد به یکی از مهمترین معضلات نه فقط برای ترکیه بلکه برای سوریه و عراق تبدیل شد.

راه‌حلی که داوود اوغلو برای مسئله کردها داده این است که زمان را به ۱۰۰ پیش‌بازگران تاریخ پیش از جنگ جهانی اول یعنی زمانی که امپراطوری عثمانی برپا ایستاده بود. با این حال به نظر می‌رسد جناب وزیر از اینکه ثبات منطقه‌ای به راهبری ترکیه ایجاد شود هم چندان ناراضی نیست.

داوود اوغلو در سخنرانی خود در دانشگاه دیکل در دیاربکر به تاریخ ۱۵ مارس قرن گذشته را یک «پرانتر باز» خواند؛ عزیمت از نظم سیاسی معتبری که کردها، ترکیه و خاورمیانه به زودی به آن باز خواهند گشت. گفته‌های او که با عنوان «تجدید بزرگ: درک سیاسی جدید ما از جهانی سازی بسیار کهنه» انجام شد به شدت رنگ و بوی «نئو عثمانی» می‌داد که هم جناب وزیر و هم نخست‌وزیر اردوغان بسیار از آن سخن می‌گویند.

داوود اوغلو گفت که این عزیمت با «طرحی که توافقنامه سایکس - پیکو برای ما پی ریخت» آغاز شد. توافقنامه‌ای که میان دولت‌های انگلیس و فرانسه در سال ۱۹۱۶ منعقد شده و بر استیلاي چندین قرن عثمانی بر خاورمیانه پایان بخشید. داوود اقلو مدعی شد که با استفاده از توافقنامه سایکس - پیکو و قطعنامه‌های جامعه ملل، دست‌های خارجی نظم سیاسی بیگانه‌ای را بر سنن خاورمیانه‌ای تحمیل کردند که به «شکل‌گیری دولت‌ها بر اساس ایدئولوژی ناسیونالیستی» منجر شد.

جناب وزیر به خوبی سه تغییر و تحول مهم را که خاورمیانه امروز را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شناسایی کرده است. اول ایدئولوژی ناسیونالیستی که غربی‌ها با توافقنامه سایکس - پیکو در منطقه ایجاد کردند. در کشورهایی که در نتیجه این توافقنامه شکل گرفتند - عراق، سوریه، اردن و لبنان - ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی منجر به شکل‌گیری ایدئولوژی‌هایی با گرایش‌های اسلامی شدند.

این در مورد مصر و ترکیه، که شکل مدرن ایشان به پایان جنگ جهانی اول باز می‌گردد، نیز صدق می‌کند. البته این در مورد ایران نیز صدق می‌کند که پس از انقلاب سال ۱۹۷۹، ایدئولوژی اسلامی از نوع شیعی نیز در آن شکل گرفت.

دوم اینکه وجوه سیاسی مشخصی از خاورمیانه امروز می‌تواند به وجوه هم‌ارز خود در پیش از جنگ جهانی اول، شباهت داشته باشد. سوریه، عراق و لبنان ممکن است به تدریج به کشورها یا شبهه دولت‌های کوچک‌تر تقسیم شوند که به مثابه استان‌ها و مناطق مختلف امپراطوری عثمانی خواهند بود. این منعکس‌کننده یکی از ویژگی‌های مهم آن دوره یعنی وجود وابسته‌های محلی بسیار، می‌باشد.

سوم اینکه ایفای نقش تعیین‌کننده قدرت‌های خارجی، در حال پایان یافتن است. همه خاورمیانه‌ای‌ها متقاعد شده‌اند که آمریکا به نیرویی رو به اضمحلال در جهان اسلام تبدیل شده است. آمریکا شاید روی اسرائیلی‌ها نفوذی داشته باشد، اما مردم خاورمیانه از نگرانی‌های اقتصادی آمریکا و هراس رهبران آن از درگیری با مسلمانان با خبر هستند.

با این حال این سه تغییر و تحول باعث بازگشت «اتحاد باستانی» که داوود اقلو با آن شدت و حدت مطرح کرد، نخواهند شد. اتحادی که در قرون هجدهم و نوزدهم برقرار شد، برگرفته از قدرت عثمانی

بود. ترکیه معاصر نمی‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. ناکامی‌های آنکارا در جنگ داخلی سوریه بر این ادعا صحنه می‌گذارد.

بدتر آنکه ترکیه رقیبی به نام جمهوری اسلامی ایران دارد که از سوی دشمن دیرینه ترکیه یعنی روسیه، حمایت می‌شود. نخست وزیر اردوغان در ابتدا به دنبال آن بود که با اتکا بر گرایش‌های اسلامی و نفرت از غرب، اتفاقی میان ایران و ترکیه ایجاد کند. اما این سیاست شکست خورد. اینبار یک احتمالاً یک ایران هسته‌ای بر منطقه مسلط خواهد شد. کردها که تا به این تاریخ مورد آزار و اذیت آنکارا بوده‌اند، در دو دهه آتی به لحاظ جمعیتی از ترک‌های ترکیه نیز جلو خواهند افتاد. شاید در آینده‌ای نزدیک بتوانند در عراق دولتی مستقل ایجاد کنند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش ما در مرحله اول به بررسی کمالیسم و اسلام‌گرایی در شکل‌گیری زمینه‌های نئو عثمانی و پس از آن به بررسی تاثیر نئو عثمانی در روابط کشور ترکیه با دیگر کشورها به خصوص ایران پرداختیم.

هدف پژوهش حاضر واکاوی ابعاد و تأثیرات مختلف سیاست خارجی جدید ترکیه بود. در مرحله بعدی بررسی چالش‌های این رویکرد جدید ترکیه بر سیاست خارجی ایران برای این پژوهش حائز اهمیت به شمار می‌آید. با توجه به مبانی نظری رویکرد سازه‌انگاری سیاست خارجی جدید ترکیه یا رویکرد موسوم به «نئوعثمانی‌گرایی» ریشه در روند تاریخی و زمینه‌های شکل‌گیری منافع این کشور دارد که به نحوه ایجاد و تکوین هویت آن بر می‌گردد. رویکرد نئو عثمانی‌گرایی تلاش دارد، بین منابع تاریخی هویتی ترکیه و ارزش‌های کنونی حاکم بر این کشور سازگاری به وجود بیاورد. این منابع ریشه در ظرف فضایی منطقه خاورمیانه دارد. بر همین اساس است که معمار سیاست خارجی نوین ترکیه، یعنی داوود اوغلو، سخن از دکترین عمق استراتژیک می‌آورد. این کشور هم‌اکنون برای دستیابی به جایگاه شایسته‌تر در جهان اسلام و گسترش روابط با کشورهای اسلامی و خاورمیانه تلاش می‌کند.

## منابع

- مکی، حسین (۱۳۶۳) تاریخ بیست ساله ایران، تهران، ناشر  
 رئیس نیا، رحیم، «پان ترکیسم»، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۵، صص ۴۶۶-۴۶۷-است  
 رضا، عنایت الله، «پانترکیسم»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۳، چاپ اول: ۱۳۸۳ ش، تهران،  
 شابک: ISBN ۹۶۴-۷۰۲۵-۲۵-۴، صص ۵۴۹-۵۵۶  
 سرکاراتی، بهمن، دانشنامه جهان اسلام، «توران»، جلد ۸، صص ۴۵۶-۴۵۸، تهران ۱۳۸۳، شابک  
 ۵-۰۰۹-۴۴۷-۹۶۴  
 بابایی، حبیب (۱۴۰۰) اروپا از دست رفته نئو عثمانی، روزنامه جوان آنلاین، مهر ۱۴۰  
 قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۲) نقش ملاحظات فرهنگی ایدئولوژیک در سیاست خارجی ترکیه، مطالعات اوراسیای  
 مرکزی، بهار و تابستان ۱۳۹۳، تاریخی، ص ۱۴۱-۱۶۰  
 دیوید بارچارد (۱۹۸۵). ترکیه و غرب موسسه سلطنتی امور بین الملل معین علی خان. شابک  
 ۰۷۱۰۲۰۶۱۸۶  
 شای، آنتونی (۲۰۰۲). سیاست رقص و رقص: شرکت های رقص محلی، نمایندگی، و قدرت. انتشارات  
 دانشگاه وسلیمان. پ. ۲۱۰ شابک ۰-۶۵۲۱-۸۱۹۵-۰  
 کمال اچ. کارپات (۲۰۰۲)، مطالعاتی درباره تاریخ اجتماعی و سیاسی عثمانی: مقالات و مقالات  
 برگزیده، شابک ۰-۹۷۸-۹۰-۴-۱۲۱۰۱-۰، ص. ۵۲۴  
 زورچر، اریک جی. تاریخ مدرن ترکیه، نیویورک، ج. ب. تاوریس، منابع  
 کلیولند، ویلیام ل؛ و بونتون، مارتین پ. تاریخ خاورمیانه مدرن، بولدر: وستویو، ۲۰۱۳.  
 لوه، نورمان، تاریخ جهان مدرن، ویرایش دوم  
 راجر گریفین، روتلج، (۱۹۹۳)، ماهیت فاشیسم ص. ۱۷۱  
 رابرت فاکس، ۱۹۹۱، دریا داخلی: مدیریتانه و مردم آن ص. ۲۶۰  
 باتلر، دارن (۲۱ مه ۲۰۱۱). "استعفای قبل از انتخابات راست افراطی ترکیه را لرزاند". رویترز. بازیابی  
 ۲۱ مه ۲۰۱۴

Ahmet Davutoğlu (2001), *Stratejik Derinlik: Türkiye'nin Dış Politikası*, İstanbul: Kure Yayınları, pp. 249-271

Istanbul: Kure Yayınları, pp. 249-271  
 ] Downloaded from priw.ir on 2022-05-20[

۲۳۴

Akdogan, Y. (2003), *Muhafazakari Demokrasi*, Ankara, Alfa Basim Yayin.

.Arinc, B. (2003), *Vatan Daily*, September 29.

Ciiiiii i ee eee 555555 “Regmna Sectttt y a aaaa n Rights in Southeast Asia.”

Political Studies, XLIII. 204-218.

Ergogan, R. T. (2001), Hurriyet Daily, August 28.

Erdogan, R. T. (2003), Konusmalar, Ankara, AK Parti.

.aa لا لا 555555555555rrrrr rrr rrr ccccc Political Identity in Turkey: Rethinking

cccc cWWWwzzzzw”rrrr SSSSSSSSS6666(1)pp: 21-37.

Karimifard, Hossein. (2012), Constructivism, National Identity and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Asian Social Science ,No. 2.

Mateescu, Dragoş C. (2006) Kemalism in the Era of Totalitarianism: A Conceptual Analysis, Turkish Studies, 7: 2۲۴۱-۲۲۵ ,

